

شرایط انتخاب شوندگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در نظام حقوق اساسی ایران با نگاهی تطبیقی

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۰ تاریخ تأیید: ۹۰/۱۰/۱۱

دکتر سیداحمد حبیب‌نژاد*

در نظام‌های سیاسی امروز جهان، انتخابات، بهترین و رایج‌ترین ابزار مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی کشور می‌باشد و انتخابات پارلمان، یکی از مهم‌ترین آن‌ها است. انتخابات و پارلمان با مشروطیت وارد ادبیات سیاسی کشور ما شد و فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشت و دوره‌های تاریخی ایران پس از مشروطه شاهد مجالس و نمایندگانی متفاوت با یکدیگر بوده است. در جمهوری اسلامی ایران، انتخابات مجلس شورای اسلامی به واسطه جایگاه مجلس در نظام جمهوری اسلامی دارای اهمیت فراوانی است؛ به گونه‌ای که مجلس مستقل و مقتدر و مردمی از اولین خواسته‌های انقلابیون قلمداد می‌شود و قانون اساسی، جایگاه ویژه‌ای برای مجلس و مجلسیان در نظر گرفته است. بر این اساس، اهمیت انتخابات مجلس در تعیین نمایندگانی است که در دو وظیفه عمده تقنینی و نظارتی نقش‌آفرینی می‌نمایند و جلوه‌ای از اعمال حق تعیین سرنوشت مردم می‌باشد.

شرایط انتخاب‌شوندگی در مجلس - که موضوع مورد بحث این مقاله می‌باشد - از مهم‌ترین ارکان انتخابات است که در نظام‌های گوناگون و بر اساس مقتضیات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی هر کشور با کشور دیگر تفاوت دارد.

واژه‌های کلیدی: پارلمان، انتخابات، شرایط انتخاب‌شوندگی، تابعیت، التزام به قانون اساسی، شرط تحصیلی، اسلام.

مقدمه

در تعریف انتخاباتⁱ گفته‌اند:

مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است... ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد.¹

انتخابات به مفهوم خاص خود، ابزاری برای تجلی اراده مردم در سرنوشت کشور خویش به وسیله انتخاب زمامداران (مانند رئیس‌جمهوری) یا نمایندگان مجلس می‌باشد و در دنیای معاصر، بهترین شیوه استقرار نظام سیاسی و توزیع قدرت از طریق انتخاباتⁱⁱ صورت می‌گیرد.

انتخابات به مفهوم امروزی خود با گسترش اندیشه‌های دموکراسی و حق مردم در تعیین سرنوشت خویش از سده شانزده میلادی به بعد، مطرح شد.

انگلیس، اولین کشوری بود که زیر فشار طرفداران مشارکت مردمی در حکومت، انتخابات را برای گزینش نمایندگان پارلمان پذیرفت، ولی استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن در سده‌های هفده و هیجده میلادی با پذیرش نظریه نماینده‌سالاری و ایجاد رژیم‌های نماینده‌ای و متعاقب آن ظهور نظریه حاکمیت ملی انجام پذیرفت.² از آن پس تاکنون تقریباً در همه کشورها، انتخابات به عنوان بهترین راه برای مشارکت مردم در امور مختلف حکومتی - مانند انتخاب رئیس‌جمهور یا نماینده پارلمان - پذیرفته شده است؛ به طوری که امروزه برخی³ اولین سنجه حکومت دموکراسی را وجود



i. Election.

ii. Pleb.

انتخابات آزاد و پیوسته و حق رأی برای شهروندانⁱ معرفی می‌کنند. در ایران بحث انتخابات و به ویژه انتخابات پارلمانی،ⁱⁱ ارتباط ناگسستنی با انقلاب مشروطیت (۱۳۲۴ هـ ق) داشته و تأسیس نهاد مجلس شورا با انقلاب مشروطه همراه می‌باشد. ایرانیانی که در اوایل سده سیزده هجری (اوایل سده نوزده میلادی) برای سفر یا تحصیل به اروپا رفته بودند، اولین کسانی بودند که مفاهیمی همچون دموکراسی و پارلمان به مفهوم جدید آن را وارد محافل ایرانی کردند.

برای نمونه از این گروه می‌توان از میرزا صالح شیرازی نام برد که در سال ۱۳۳۰ هـ ق (۱۸۱۵ م) برای تحصیل به انگلستان رفت و حاصل این سفر را در سفرنامه خویش منتشر ساخت.

او در سفرنامه خود به نظام پارلمانی انگلیس، تفکیک قوا، انتخابات و... اشاره کرد و از پارلمان انگلیس (مجلس عوام)، نمایندگان و مجلس لردها به نام‌های مشورت‌خانه و کیل الرعایا و خانه خوانین نام برد.^۴

در این بین اندیشمندان و بزرگان حوزه نیز به میدان آمدند و نظرات خود را ارائه کردند.

در آن دوران، مهم‌ترین طرفدار و نظریه‌پرداز در مورد پارلمان و مجلس، آیت الله نائینی بود که با نوشتن کتاب **تنبيه الامه و تنزيه المله** (در سال ۱۳۲۷ هـ ق) اقدام بزرگی در این زمینه انجام داد. ایشان از هیأت مقننه و قانون‌گذاری به هیأت مسدده تعبیر کرده، معتقد بود که مجلس می‌تواند ابزاری برای کم کردن ظلم و جور حکومت باشد. وی فلسفه وجودی نمایندگان مردم را «جلوگیری از غصب و تحدید استیلا و جور» می‌دانست.^۵

به نظر او مهم‌ترین و اولین وظایف نمایندگان، «ضبط و تعدیل خراج و تطبیق دخل و خرج مملکت» بود.^۶ آیت الله نائینی، حق قانون‌گذاری در مجلس را در محدوده احکام متغیر^۷ و البته با نظارت فقها بر آن مصوبات می‌دانست.^۸ گروه دیگری از علما نیز اندیشه‌های وارداتی غرب در زمینه پارلمان، آزادی، برابری و... را مغایر با اصول شرعی می‌دانستند و البته این مخالفت، مخالفت با مفاهیم آزادی و برابری... به معنای غربی و روشنفکرانه آن بود؛ نه با اصل این مفاهیم. مهم‌ترین شخص این گروه، شیخ فضل الله



نوری بود^۹ که مخالفت شدید خود را هنگامی آغاز نمود که گمان برد مجلس می‌خواهد قوانینی وضع کند که مخالف با شریعت نبوی^{۱۰} می‌باشد. بنابراین، بر خلاف برخی تصورات، وی با تحدید قدرت شاه و رجوع به آرای مردم و وجود مجلس مخالف نبوده است، بلکه همچنان که خود می‌گوید:

ایها الناس من به هیچ وجه [مخالف] فکر مجلس شورای ملی نیستم، بلکه مدخلیت خود را در تأسیس این اساس بیش از همه کس می‌دانم... صریحاً می‌گویم... که من الان مجلس شورای ملی می‌خواهم که عموم مسلمانان آن را می‌خواهند... که بر خلاف شریعت محمدی^{۱۱} و بر خلاف مذهب مقدس جعفری قانون نگذارند. من هم چنین مجلسی می‌خواهم.^{۱۲}

در این میان، گروه سومی مانند سید عبدالحسین لاری هم بودند که حالتی میانه گرفتند که از سویی با پارلمان به مفهوم و گستردگی مورد نظر روشنفکران غرب زده و از طرفی دیگر با توقف در شریعت موافق نبودند. ایشان در رساله «قانون در اتحاد دولت و ملت»، انتظارات خویش را از مجلس شورا بیان داشته، معتقد بود هر چند تشکیل مجلس لازم و حتی واجب کفایی است، ولی باید شرایطی مانند ریاست فقیه عادل جامع شرایط در مجلس موجود باشد.^{۱۱} به هر حال هر چند خواسته اولیه جنبش مردم ایران در دوران مشروطه، ایجاد عدالت‌خانه و اجرای قوانین اسلامی بود، ولی به مرور زمان، مسیر انقلاب به سمت مشروطه‌خواهی تغییر می‌یابد و برخی معتقد هستند که اولین بار، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، مردم را به مشروطه دعوت می‌کند.^{۱۲}

بالاخره در چهارده جمادی الثانی ۱۳۲۴ هـ ق فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه صادر می‌شود که در قسمتی از آن آمده:

چنان مصمم شده‌ایم که مجلسی از منتخبین شاهزادگان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکان و تجار و اصناف به انتخاب مرقومه در دارالخلافت تهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره علاقه لازم را به عمل آورده.^{۱۳}

پس از آن در نوزده رجب ۱۳۲۴ (هـ ق) اولین نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی به تصویب رسید. در هفده مهرماه ۱۲۸۵ هـ ش (۱۷ شعبان ۱۳۲۴ هـ ق) اولین مجلس شورای ملی با تعداد ۱۵۶ نماینده - ۶۰ نفر از تهران و ۹۶ نفر از سایر شهرستان‌ها - افتتاح

گردید. بیست و چهارمین و آخرین دوره مجلس قبل از انقلاب از ۷ شهریور ۱۳۵۴ شروع به کار و با پیروزی انقلاب اسلامی منحل گردید.^{۱۴}

به لحاظ پیشینه انتخاباتی مجلس، اولین قانون انتخابات در ۱۱ شهریور ۱۲۸۵ هـ ش تهیه گردید. اولین دوره مجلس شورای ملی بر اساس همین نظام‌نامه تشکیل شد. دومین قانون انتخابات موسوم به دو درجه‌ای پس از فتح تهران توسط انقلابیون مشروطه و توسط هیأتی مرکب از ۱۶ نفر که توسط دولت مرکزی و با موافقت انجمن‌های ایالتی معین شده بودند در ۱۰ تیر ۱۲۸۸ هـ ش تهیه شد. سومین قانون انتخابات نیز در ۱۲۹۰/۷/۲۹ هـ ش به تصویب مجلس دوم رسید که طی آن انتخابات دو درجه‌ای به یک درجه‌ای تغییر یافت.

پس از آن در سال‌های بعدی مانند ۱۳۳۶، ۱۳۴۲ و ۱۳۵۰ اصلاحاتی بر قانون انتخابات صورت پذیرفت. البته در این میان، لایحه انتخابات مجلس سنا در ۱۳۲۸/۲/۱۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید که در ۲۳ خرداد ۱۳۴۵ اصلاحاتی بر آن صورت گرفت.

پس از انقلاب، یکی از خواست‌های مردم در دوران انقلاب، مجلسی مکتبی، وارسته و بدون وابستگی به قدرت‌های غربی بود، زیرا مجلس به منزله مغز متفکر و مدبر هر کشوری است که هر نقصان و عیبی در آن به کل سیستم جامعه آسیب می‌رساند.

فصل ششم قانون اساسی (از اصل ۶۲ تا ۹۱) به مجلس شورای اسلامی اختصاص یافته و به مواردی چون وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی، تعداد و مدت نمایندگی مجلس و... پرداخته است.

بعد از انقلاب تاکنون هفت دوره مجلس تشکیل شده، و هشتمین دوره مجلس نیز در حال فعالیت است.

اما به لحاظ مقررات انتخاباتی، در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی به مبحث انتخابات پرداخته شده است، برای نمونه بر اساس اصل ۶ قانون اساسی که طبق اصل ۱۷۷ غیر قابل تغییر است:

امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورا و نظایر این‌ها و از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

بر اساس اصول قانون اساسی:



مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد.^{۱۵}

که انتخابات هر دوره باید پیش از پایان یافتن دوره قبل برگزار شود؛ به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.^{۱۶}

اصول دیگری نیز در مورد انتخابات شوراها شهر و روستا،^{۱۷} انتخاب مجلس خبرگان رهبری^{۱۸} و رئیس جمهور^{۱۹} به این امر مهم پرداخته است. اولین قوانین انتخاباتی^۱ بعد از انقلاب توسط شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ تهیه گردید.^{۲۰}

این قانون دارای ۸ فصل، ۶۱ ماده و ۱۶ تبصره بود که بعدها اصلاحاتی نیز بر آن صورت پذیرفت؛ مانند اصلاحات سال ۵۹/۱/۲۴ (توسط شورای انقلاب)، ۱۳۶۰/۱/۲۵، ۱۳۶۰/۷/۶ و ۱۳۶۱/۳/۵ توسط مجلس شورای اسلامی.

دومین قانون انتخابات توسط مجلس شورای اسلامی در ۱۳۶۲/۱۲/۹ مورد تصویب قرار گرفت که شامل ۱۰ فصل، ۸۲ ماده و ۵۱ تبصره بود که البته اصلاحاتی مانند ماده واحده مصوب ۶۲/۱۲/۹ در آن صورت گرفت.

آخرین قانون انتخابات مجلس - که مبنای انتخابات کنونی مجلس شورای اسلامی می‌باشد - مصوب ۱۳۷۸/۹/۹ می‌باشد که در سال ۷۸/۱۰/۱۳ و ۷۹/۸/۲۵ اصلاحات و الحاقاتی در آن صورت گرفته است که آخرین آن در سال ۱۳۹۰ بوده است. اکنون به شرایط کاندیداتوری در انتخابات مجلس شورای اسلامی می‌پردازیم.

مبحث اول: شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی

به علت اهمیت و جایگاه ویژه قوه مقننه، هر نظام سیاسی، شرایط و ویژگی‌هایی را برای اعضای آن تعیین کرده است^{۲۱} و چون نمایندگان، مظهر اراده و خواست مردم هستند، لذا معمولاً شرایط انتخاب‌شوندگان، بیشتر و سخت‌تر از شرایط انتخاب‌کنندگان می‌باشد. البته این شرایط هر چند در برخی موارد در همه جا یکسان است، ولی با این حال، این شرایط و محدودیت‌ها مطابق با اهداف و مبانی کلی هر رژیم سیاسی است.

مطابق ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی - که در سال ۱۳۹۰ با اصلاحاتی همراه بوده است - داوطلبان نمایندگی هنگام ثبت نام باید دارای شرایطی باشند. می‌توان این شرایط را به دو دسته کلی، ایجابی (شرایطی که باید داشته باشند) و

i. Electdal Law.

سلبی (شرایطی که نباید داشته باشند) تقسیم کرد. این شرایط را مطابق ماده ۲۸ قانون مذکور پی می‌گیریم:

بند اول: شرایط ایجابی

الف. اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

چنانکه در مقدمه این فصل آمده، شرایط ذکر شده برای داوطلبان نمایندگی در هر کشوری برگرفته از مبانی آن نظام و رژیم سیاسی می‌باشد.^{۲۲} بنابراین نباید شرط اعتقاد به اسلام را مخالف آزادی مردم در انتخابات دانست. به سبب همین امر، طبق بخش سوم اصلاحیه سیزدهم (۱۸۶۵ م) قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، هر کسی - حتی اگر از مقامات ایالات متحده باشد - و اقداماتی علیه کشور انجام دهد و یا به دشمنان ایالات متحده کمک کند، حق نمایندگی و هیچ سمت کشوری و لشکری دیگری را ندارد.^{۲۳} نکته مهم آنکه کسی می‌تواند در برابر قرآن مجید و به اسم جلاله قسم یاد کند و «پاسدار حریم اسلام و نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی»^{۲۴} باشد که به اسلام و نظام جمهوری اسلامی معتقد باشد. در این میان، پیرامون این بحث که این اعتقاد چگونه کشف می‌گردد؟ و آیا کشف این اعتقاد باید توسط مردم باشد یا توسط عده‌ای خاص، نظریات مختلفی وجود دارد، گروهی بر آنند:

بحث اعتقاد داشتن یا نداشتن یک نامزد چیزی نیست که احراز آن ساده باشد. فقط مردم می‌توانند به این نتیجه برسند که فلان نامزد، فرد معتقدی است یا نه.^{۲۵} در مقابل، شورای نگهبان معتقد است که این اعتقاد برای داوطلبان باید احراز شود و این وظیفه هیأت‌های نظارت می‌باشد و در نتیجه بعد از این که آن هیأت، صلاحیت فرد را در این زمینه احراز کرد، این مردم هستند که باید میان دارندگان صلاحیت گزینش کنند. به هر حال، مسلم است در اعلام عدم اعتقاد به اسلام، نظام و دیگر صلاحیت‌ها باید مدرک و سند معتبر ابراز گردیده و اثبات خلاف این شروط با دقت و از طریق مراجع رسمی صورت پذیرد. تبصره ۳ ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۶) در همین راستا وضع شده است.

این تبصره مقرر می‌دارد: «رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در مورد شرط اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید



مستند به قانون و بر اساس مدارک و اسناد معتبر باشد که مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف توسط مراکز مسئول قانونی به مراجع قضایی و نظارتی ارسال شده است».

نکات مهم موجود در این ماده، اولاً تکیه بر مدارک و اسناد معتبر و ثانیاً توجه به مدارک ارسالی از سوی مراکز مسئول قانونی است که این مراکز بر طبق ماده ۴۸ قانون انتخابات عبارتند از: «وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل».

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (مصوب ۱۳۷۸/۸/۲۲)^{۲۶} و تبصره ماده ۵۰ قانون انتخابات مجلس^{۲۷} نیز مؤیدی بر نظر ماست. نتیجه آنکه اعتقاد، امری درونی است که هر چند با استفاده از مظاهر و عملکردهای بیرونی، نمود پیدا می‌نماید، ولی اعلام عدم احراز این شروط باید در چارچوب قانون و مستند به مدارک و اسناد معتبر باشد و بررسی این شروط مهم و اعلام خلاف آن به صورت کلی و بدون مستندات معتبر و یا دلایل مرتبط با موضوع صحیح نیست.

ب. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران

تابعیت، «رابطه سیاسی و معنوی است که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌سازد».^{۲۸}

در اکثر قوانین انتخاباتی کشورها، تابعیت به مثابه یکی از شرایط ورود به پارلمان آمده است. در ایران نیز هر چند خارجیان از برخی حقوق فردی و خصوصی بهره‌مندند، ولی از داوطلبی مجلس به عنوان یکی از حقوق سیاسی محرومند.

فلسفه این شرط، اصل لزوم عدم دخالت بیگانگان در سرنوشت سیاسی، اجتماعی کشور دیگر و لزوم حفظ استقلال سیاسی کشور می‌باشد و اینکه علقه و رابطه معنوی موجود میان فرد با دولت و کشور متبوعش باعث می‌گردد که نتواند به طور کامل و تمام به منافع ملی‌ای غیر از منافع ملی کشور متبوع خود بیندیشد.

گاهی فرد پس از طی مراحل اداری و قانونی،^{۲۹} تابعیت جدیدی اخذ می‌کند که از آن به تابعیت اکتسابی یاد می‌کنند، حال این گونه افراد نیز مطابق ماده ۹۸۲ قانون مدنی از تصدی مقاماتی از جمله عضویت در مجلس شورای اسلامی محروم می‌باشند.^{۳۰}

علاوه بر شرط تابعیت و برای ایجاد رابطه نزدیک‌تر بین انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان در انتخابات مجلس، برخی حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند تا علاوه بر شرط تابعیت، توطن (تولد در محل حوزه انتخابیه) نیز گنجانده شود تا رابطه بین انتخاب‌کننده و انتخاب‌شوندگان مستحکم‌تر باشد.^{۳۱}

ج. ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه

در این بند، قانون‌گذار دو شرط را ذکر کرده است:

الف: ابراز وفاداری به قانون اساسی:

علت درج این شرط را می‌توان نکات زیر دانست:

اول: قانون اساسی، میثاق ملی مردم است و «اساس و شالوده نظام در کلیه شئون کشور در آن ترسیم و مقرر می‌گردد»^{۳۲} و حتی در قوانین اساسی برخی کشورها احترام و مراعات قانون اساسی برای مردم عادی لازم شمرده شده، همچنان که بر اساس اصل ۵۴ قانون اساسی ایتالیا «تمامی افراد ملت مکلفند به جمهوری وفادار باشند و اصول قانون اساسی و کلیه قوانین را مراعات کنند».

دوم: مهم‌ترین وظیفه نمایندگان، قانون‌گذاری است و بر اساس اصل ۷۲ قانون اساسی:

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با...قانون اساسی مغایرت داشته باشد.^{۳۳}

سوم: نمایندگان بر اساس اصل ۶۷ قانون اساسی باید در نخستین جلسه مجلس سوگندی یاد کنند که یکی از عبارتهای آن این است که: «همواره از قانون اساسی دفاع کنم».

چهارم: نمایندگان مجلس بر اساس مفاد قانون اساسی و اصول مربوط به قوه مقننه انتخاب می‌گردند، لذا قبول نداشتن قانون اساسی توسط آنها نوعی تناقض می‌باشد.

ب: ابراز وفاداری به اصل متری ولایت مطلقه فقیه:

یکی از شرایط مذکور در ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، «ابراز وفاداری به اصل متری ولایت مطلقه فقیه» می‌باشد. ولی فقیه در رأس هرم سیاسی جامعه اسلامی قرار دارد که «در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه شریف، جمهوری اسلامی ایران ولایت و امامت امت»^{۳۴} را بر عهده دارد و قوای سه گانه



«زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت»^{۳۵} او می‌باشند. مطابق نظریه ولایت فقیه مطرح شده از سوی امام خمینی، قبول نداشتن ولایت فقیه مساوی با تکذیب ائمه و اسلام معرفی^{۳۶} و به صراحت اعتقاد به ولایت فقیه را یکی از شروط نمایندگی معرفی کرده‌اند.^{۳۷}

برخی معتقدند که ابراز وفاداری نسبت به قانون اساسی، شامل اصول مربوط به ولایت فقیه هم می‌شود، زیرا کسی که وفاداری خود را به قانون اساسی اعلام می‌دارد، نیازی به یکی از اصول آن ندارد،^{۳۸} ولی ظاهراً به سبب اهمیت فراوان و حساسیت‌های به وجود آمده در مورد اصل ولایت فقیه، قانون‌گذار احتیاط را به درجه نهایی خود رسانده و وفاداری به ولایت مطلقه فقیه را نیز آورده است.^{۳۹}

البته قانون‌گذار برای اینکه از اعمال نظر سلیقه‌ای، جناحی، سیاسی در مورد این بند جلوگیری کند، تمهیداتی اندیشیده است. بدین ترتیب که مطابق تبصره ۴ ماده ۲۷ آیین‌نامه قانون انتخابات، «هیأت‌های رسیدگی به صلاحیت‌های داوطلبان در اجرای بند ۳ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، با لحاظ اینکه مناسبات ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه اظهار، اعلام یا هر طریق دیگری است که به صورت مستند توسط داوطلب ابراز شده باشد، در چارچوب قانون اقدام لازم را به عمل خواهند آورد» و بر این اساس، ملاک ابتدایی در احراز این شرط اعلام داوطلب در قبول این اصل، می‌باشد؛ مگر آنکه در چارچوب مقررات و به استناد مدارک و اسناد معتبر، و از طریق مراجع رسمی قانونی خلاف آن به طور یقینی اثبات گردد.

د: داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن

به موجب بند ۶ ماده ۹ قانون انتخابات مجلس شورای ملی (مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۰ شورای انقلاب) و بند «ه» ماده ۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹)، «داشتن سواد خواندن و نوشتن به قدر کافی» شرط کاندیداتوری شده بود. بند ۴ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۷۸/۹/۷)، داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم و یا معادل آن، شرط علمی برای کاندیداتوری معین گردید که البته طبق تبصره ۲ همین ماده، افراد دارای سابقه نمایندگی از این شرط مستثنی بودند.

در اصلاحات مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۱۳، مطابق بند ۴ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن، شرط نامزدی در مجلس بوده که البته تبصره ۲ همین قانون بیان می‌داشت: «مدرک تحصیلی لیسانس یا

معادل آن به شرط داشتن پنج سال سابقه خدمت اجرایی در سطح کارشناسی و بالاتر در بخش‌های خصوصی یا دولتی و یا پنج سال سابقه فعالیت آموزشی و یا پژوهشی با تأیید مراجع ذیربط و یا سابقه یک دوره نمایندگی مجلس می‌تواند جایگزین مدرک کارشناسی ارشد باشد».

در ۱۳۸۶/۱/۲۶ تبصره ۳ به این ماده اضافه گردید که طی آن «هر دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی معادل یک مقطع تحصیلی فقط برای شرکت در انتخابات محسوب می‌شود».

اما در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷، طرح اصلاح ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تصویب گردید که طی آن «سابقه نمایندگی مجلس یا حداقل پنج سال سابقه مدیریت سیاسی، حرفه‌ای، قضایی، اجرایی، آموزشی و پژوهشی پس از اخذ مدرک تحصیلی موضوع بند ۴ این ماده {کارشناسی ارشد یا معادل آن}» به عنوان شرط نامزدی نمایندگی لحاظ گردید که شورای نگهبان، این مصوبه را مغایر بندهای ۸ و ۹،^{۴۰} اصل سوم قانون اساسی اعلام نمود.

در ۱۳۹۰/۱/۲۸ نیز قانون حذف تبصره ۲ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس به تصویب رسید که در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۷ به تأیید شورای نگهبان رسید.

بنابراین، بر اساس مقررات کنونی حاکم، داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن، شرط کاندیداتوری برای انتخابات مجلس می‌باشد که البته دو استثناء دارد:

الف: نمایندگان مجلس

مطابق تبصره ۳ ماده ۲۸ قانون انتخابات، نمایندگان مجلس شورای اسلامی با داشتن مدرک لیسانس یا معادل آن حق کاندیداتوری در انتخابات را دارند.

ب: آزادگان، جانبازان و فرزندان شهدا

به استناد ماده ۱۸ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان (مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱)^{۴۱} و تبصره ماده ۲۱ قانون حمایت از آزادگان (مصوب ۱۳۶۸/۹/۱۳)^{۴۲} و بند الف ماده ۴۴ قانون برنامه پنجم توسعه،^{۴۳} به ترتیب، جانبازان، آزادگان و فرزندان شهدا از امتیاز برخوردار از یک مقطع تحصیلی بالاتر برخوردار بوده و لذا با مدرک کارشناسی می‌توانند نامزد انتخابات مجلس شورای اسلامی شوند.

در ارزیابی این شرط باید در نظر داشت که هرچند باید پذیرفت؛ بالا رفتن سطح تحصیلات نمایندگان با بهتر شدن تصمیم‌گیری‌ها و قانون‌گذاری‌ها در مجلس ارتباط دارد،



ولی نباید این شرط موجب کاهش مشارکت مردم در انتخابات باشد و از عواملی چون تجربه که مکمل تخصص و یا مدرک تحصیلی است، غافل گردید و اصل «مشارکت متفکرانه همگانی مردم» را تحت الشعاع مدرک‌گرایی قرار داد. علاوه بر این با توجه به اینکه برای رئیس جمهور که دومین مقام رسمی کشور پس از مقام معظم رهبری است^{۴۴} و وظایف و مسئولیت‌های فراوانی را نیز دارد، شرط تحصیلی خاصی در قوانین^{۴۵} پیش بینی نشده است؛ گذاردن شرط کارشناسی ارشد برای کاندیداتوری مجلس، اندکی قابل تأمل است؛ به ویژه آنکه وجود این شرط در برخی از حوزه‌های انتخابیه که دارای کمبود نیروی انسانی تحصیل کرده هستند، بیشتر دچار اشکال می‌باشد و مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد. باید در نظر داشت که مجلس شورای اسلامی بیشتر از آنکه مجمع متخصصین با مدارک تحصیلی بالا باشد، باید مجمع معتمدین آگاه و البته با تجربه مردم باشد هرچند اگر این معتمد آگاه با تجربه، تخصص هم داشته باشد مطلوب‌تر می‌باشد.

ه. نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه

در مورد تاریخچه این شرط باید بدانیم که در قانون دوم انتخابات مصوب سال ۱۲۸۸ هـ ش، معروفیت به امانت و درستکاری نیز آمده بود، ولی در پیش‌نویس سومین قانون انتخابات (سال ۱۲۹۰)، این قید حذف گردید که مورد اعتراض شهید مدرس قرار گرفت و در قانون انتخابات شورای انقلاب مصوب سال ۱۳۵۸ «عدم اشتهار به فساد و نادرستی» شرط گردید.

به هر حال، علت گنجاندن این شرط واضح است، زیرا مجلس شورای اسلامی با آن همه ارج و اهمیت آن باید از افراد فاسد و دارای سوء شهرت خالی باشد و شأن مجلس که «عصاره فضایل ملت»^{۴۶} محسوب می‌شود، آن قدر والا است که نباید افراد فاسد در آن وارد شوند.

البته نباید این نکته را فراموش کرد که در رد صلاحیت‌ها با تمسک به این بند باید احتیاط لازم و رعایت ضوابط و قوانین را انجام داد، ولی به هر حال، این شرط آن قدر مهم است که برخی حقوق‌دانان^{۴۷} پیشنهاد داده‌اند که به جای شرط «نداشتن سوء شهرت»، «اشتهار به حسن سابقه و صداقت و امانت» در قانون بیاید، زیرا برای تصدی نمایندگی، مهم، نداشتن سوء شهرت نیست، بلکه مشهور بودن به اوصاف و ویژگی‌های اخلاقی دارای اهمیت می‌باشد.

و. سلامت جسمی در حد بر خور داری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی

برای تصدی هر مسئولیتی باید قدرتی متناسب برای اجرای آن داشت که البته این قدرت در مفهوم عام خود شامل داشتن صلاحیت‌های لازم مانند شرایط ایجابی و سلبی برای نمایندگی می‌باشد. در مفهوم خاص قدرت توانایی جسمی را نیز در بر می‌گیرد که در بند مذکور به آن اشاره گشته است. از این بند بر می‌آید که اگر نقص غیر از عدم بینایی، شنوایی و گویایی باشد، نمی‌تواند مانع از حضور داوطلب در قالب‌های انتخاباتی مجلس گردد؛ مگر آنکه آن نقص به گونه‌ای باشد که واقعاً فرد را از انجام وظایف نمایندگی عاجز کند.

ز. حداقل سن ۳۰ سال و حداکثر ۷۵ سال تمام

گروهی از حذف شرط سنی برای ورود به مجلس طرفداری کرده و معتقدند که ملازمه‌ای بین سن و صلاحیت داوطلبان وجود ندارد، این خود مردم هستند که باید فرد صالح را انتخاب کنند و از سوی دیگر گذاردن حداقلی سن، مانع از ورود جوانان علاقمند و توانا می‌گردد.

طرفداران محدودیت سنی نیز خامی تصمیمات و بی‌پرستی‌شدن نظام با ورود افراد کم سن و سال در مجلس را از دلایل خود عنوان می‌کردند.^{۴۸} نباید این نکته را فراموش کرد که هر چند تجربه و پختگی تصمیمات و قانون معمولاً با افزایش سن رابطه دارد، ولی با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و علمی جامعه کنونی، اطلاعات گسترده جوانان از تحولات داخلی و خارجی، داشتن تخصص‌های لازم و متناسب با نیازهای مجلس به همراه درک و شعور بالای جوانان ایرانی باعث شده تا حداقل سن ورود به مجلس (یعنی ۳۰ سال) مقداری زیاد نشان بدهد.^{۴۹}

بند دوم: شرایط سلبی

قانون‌گذار بر اساس مصالحی، علاوه بر شرایط ایجابی، نداشتن شرایط سلبی را نیز لازم دانسته است که خود به چند دسته تقسیم می‌گردد:

الف. محرومین به واسطه شغل (محرومین موقتی)

قانون‌گذار در ماده ۲۹ قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۸، برای رعایت عدالت و عدم نفوذ قدرت در انتخابات و برگزاری سالم انتخابات، گروهی را به سبب داشتن سمت‌ها و

مناصب خاص از داوطلبگی نمایندگی مجلس محروم کرده است، ولی این محرومیت، دائمی نبوده، بلکه آنان برای ثبت نام باید «حداقل دو ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند». البته خود محرومین به واسطه شغل به سه گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول از داوطلب شدن در حوزه‌های انتخابیه سراسر کشور محرومند؛ مگر با شرط استعفای مذکور؛ گروه دوم نیز از داوطلب شدن در حوزه‌های انتخابیه قلمرو مسئولیت خود محرومند، ولی در حوزه‌های دیگر می‌توانند در انتخابات شرکت نمایند و گروه سوم نیز به سبب داشتن سمت در مدیریت انتخابات حوزه انتخابیه از کاندید شدن در حوزه انتخابیه تحت مسئولیت خود محرومند.^{۵۰}

ب. محرومین دائمی

قانون‌گذار در ماده ۳۰ قانون انتخابات، گروهی را به طور دائمی از داوطلب شدن نمایندگی مجلس محروم کرده است.^{۵۱}

ج. محرومین جزایی

علاوه بر بند ۷ ماده ۳۰ قانون انتخابات مجلس که «محکومین به حدود شرعی» را تا وقتی که توبه آنان ثابت نشده، از کاندیداتوری منع کرده، ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی محکومین قطعی در برخی جرایم عمدی را تا مدت خاصی از حقوق اجتماعی از جمله حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی محروم کرده است.^{۵۲} نکات مهم در مورد این ماده آن است که اولاً محکوم علیه باید به محکومیت قطعی محکوم شده باشد، لذا پرونده‌هایی که مراحل قضایی خود را در دادگاه‌های بدوی یا تجدیدنظر طی می‌کند را شامل نمی‌شود؛ ثانیاً، محکومیت قطعی باید در مورد جرایم عمدی باشد، لذا جرایم غیر عمدی و محکومیت به جبران خسارت را در بر نمی‌گیرد؛ ثالثاً پس از انقضای مدت تعیین شده، محرومیت از داوطلبگی مجلس نیز زائل می‌گردد.

مبحث دوم: مطالعه تطبیقی

در همه کشورها شرایط و محدودیت‌هایی برای داوطلبان نمایندگی مجلس وجود دارد که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:



۱. سن

در کشورهایی مانند استرالیا، کانادا، فنلاند و زلاندنو، سن انتخاب‌کنندگی با انتخاب‌شوندگی یکی است؛ مثلاً با توجه به اصل ۷۵ قانون اساسی سوئیس که مقرر می‌دارد: «هر فرد سوئوسی و لائیک و دارای حق رأی، حائز شرایط لازم برای انتخاب شدن به عنوان شورای ملی است»؛^{۵۳} چون سن رأی‌دهی در آنجا ۱۸ سال است (اصل ۷۴ قانون اساسی)؛ پس سن داوطلبی برای ورود به مجلس نیز ۱۸ سال می‌باشد. با این حال، در کشورهای دیگر، داوطلبی بیشتر از سن رأی‌دهی است؛ به خصوص در کشورهایی که دارای دو مجلس هستند، سن ورود به مجلس دوم بیشتر از سن ورود به مجلس اول می‌باشد.^{۵۴}

۲. تابعیت

در همه کشورها تابعیت شرط ورود به مجلس است؛ هر چند در این مورد، برخی کشورها مثل آمریکا فرد با داشتن تابعیت اکتسابی (برای مجلس نمایندگان ۷ سال و برای مجلس سنا ۹ سال پس از کسب تابعیت) حق داوطلبی دارد،^{۵۵} ولی به هر حال، هیچ کشوری حق انتخاب در پارلمان را به خارجی‌ان نمی‌دهد.^{۵۶} علاوه بر این، برخی کشورها برخورداری از اقامت را نیز شرط کرده‌اند.^{۵۷}

۳. شرایط اقتصادی

معمولاً در گذشته، کسانی حق داوطلبی مجلس را داشتند که دارای وضع اقتصادی خوبی بودند و لذا افراد تهیدست حق کاندیدا شدن نداشتند. همچنان که ورشکسته به تقصیر در استرالیا، فرانسه، کانادا و انگلیس حق نامزدی پارلمان را نداشتند.^{۵۸} در حال حاضر نیز هر چند این وضعیت در قوانین متعادل گشته، ولی با این حال به دلیل بالا بودن هزینه‌های تبلیغاتی و مخارج انتخابات، عملاً افراد طبقه ضعیف جامعه یا نمی‌توانند نامزد کاندیداتوری پارلمان گردند یا در صورت نامزد شدن، شانس بسیار کمی در پیروزی انتخاباتی دارند.^{۵۹}

۴. تأییدیه

در ایالات متحده، نامزدان مستقل بایستی از حداقل ۵٪ رأی‌دهندگان تأییدیه بگیرند.^{۶۰} در انگلیس، کاندیدا باید از جانب ۱۰ نفر از واجدین شرایط رأی دادن معرفی گردد.^{۶۱}



در دانمارک، نامزدهای مستقل ۲۰۰ رأی دهنده؛ در مجلس سنای استرالیا ۵۰ رأی دهنده یا اعضای ثبت نام شده یک حزب سیاسی، در مجلس نمایندگان استرالیا ۶ معتمد محل حوزه انتخابیه، در یوگسلاوی ۱۰۰۰ نفر؛ در آلمان ۲۰۰ رأی دهنده برای کاندیدای مستقل و ۲۰۰۰ نفر برای لیست احزاب، در آلبانی ۴۰۰ شهروند و در مقدونیه ۲۰۰ رأی دهنده باید از نامزد مورد نظر اعلام حمایت و او را تأیید کنند.^{۶۲}

البته در برخی کشورها نیز ابتدا همه داوطلبان، خود را به شورای ویژه یا شورای حزبی معرفی کرده، این شورا از میان افراد به تعدادی حق شرکت در رقابت انتخاباتی را می‌دهد.^{۶۳}

۵. محرومین کاندیداتوری

قضات، کارمندان دولت، افراد و افسران نیروهای مسلح، اعضای هیأت مدیره صنایع ملی شده، مدیران بانک از جمله کسانی هستند که در انگلیس از نامزدی مجلس محرومند.^{۶۴} در بلغارستان کسانی که سابقه محکومیت زندان دارند، از نمایندگی محرومند.^{۶۵} در استرالیا، فرانسه و انگلیس، جرایمی مانند فساد در انتخابات و ورشکستگی به تقصیر مانع کاندیداتوری مجلس می‌گردد^{۶۶} و کسانی که در حال تحمل حکم زندان بیش از یک سال می‌باشند، در انگلیس حق نامزدی ندارد.^{۶۷} محکومین کیفری در ایتالیا، معتادین در ترکیه، گیرندگان رشوه در ژاپن و ورشکستگان به تقصیر در سوئیس نیز از کاندیداتوری محرومند.^{۶۸}

۶. وثیقه مالی

در برخی کشورها کسانی که قصد نامزد شدن در مجلس را دارند، باید وثیقه‌ای در نزد دولت بگذارند.^{۶۹}

مبحث سوم: شرایط نمایندگان مجلس از دیدگاه اسلامی

تفاوت دیدگاه اسلامی در مورد برخی شرایط برای احراز منصب‌ها با دیگر مکاتب و سیستم‌ها به نوع تلقی اسلام از مناصب و مسئولیت‌ها بر می‌گردد.

در اسلام، رسیدن به مقام و منصب دنیوی، ارزش و هدف غایی محسوب نشده، بلکه به منزله امانتی است که باید به خوبی از آن محافظت شود. هدف اسلام از دستور تشکیل حکومت دینی، فقط اجرای احکام الهی و خدمت‌گزاری به مردم - به خصوص محرومین

- و بسط و گسترش عدالت می‌باشد و مسئولین علاوه بر داشتن مسئولیت در برابر خلق در برابر خالق نیز باید پاسخ‌گو باشند.

شاید بهترین مستند در این مورد، این قضیه از امام علی باشد که: «قال عبد الله بن العباس دخلت علی أمير المؤمنین □ بذی قار وهو یخصف نعله فقال لی ما قیمة هذا النعل فقلت لایمة لها، فقال علیه السلام والله لهی أحب إلی من إمرتکم إلا أنقیم حقا أو أدفع باطلا»^{۷۰} یعنی «ابن عباس در شهر ذی قار - نزدیک بصره - وارد بر امام علی گردید؛ در حالی که آن حضرت در حال وصله زدن به کفش خود بود. امام فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ ابن عباس گفت: ارزشی ندارد.

امام فرمود: به خدا سوگند، این کفش بی‌ارزش برایم از حکومت بر شما دوست داشتنی‌تر است؛ مگر آنکه حقی را اقامه و یا باطلی را دفع نمایم».

مراجعه به آثار امام خمینی و بازخوانی اندیشه ایشان نیز همین مطلب را تأکید می‌نماید. ایشان در کتاب البیع تأکید کرده‌اند که «حکومت» برای ارزش‌های دیگری مانند گسترش عدالت و رفع ظلم و حفظ ثغور مسلمین تشکیل می‌شود و چون برقراری این ارزش‌ها ضرورت دارد، لذا تشکیل «حکومت» به مثابه یک «مقدمه» ضرورت پیدا می‌کند.^{۷۱}

همچنین ایشان در کتاب ولایت فقیه هم وسیله بودن حکومت را مطرح کرده‌اند و نوشته‌اند: «تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنان که حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است».^{۷۲}

بنابراین، در اندیشه ایشان، حکومت اصالت و حتی شأنی ندارد، لذا ارزش آن را نه بالاصاله، بلکه به صورت «الی» می‌داند و اینکه «عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است... بدیهی است تصدی حکومت به دست آوردن یک وسیله است؛ نه اینکه یک مقام معنوی باشد؛ پس نفس حاکم شدن و فرمانروایی، وسیله‌ای بیش نیست و برای مردان خدا اگر این وسیله به کار خیر و تحقق هدف‌های عالی نیاید هیچ ارزشی ندارد».^{۷۳}

با این مقدمه و با توجه به ماهیت نمایندگی در نظام حقوقی،^{۷۴} به برخی صفات لازم برای تصدی مناصبی از جمله نمایندگی مجلس از دیدگاه اسلام اشاره می‌کنیم که البته



پیشینه این بحث، باز به دوران مشروطیت بر می‌گردد. از دوران مشروطیت - که موضوع مجلس شورای ملی مطرح گشت - اندیشمندان اسلامی اوصافی را برای احراز نمایندگی مجلس لازم دانسته‌اند که به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ عمادالعلما خلخالی در «بیان معنای سلطنت مشروطه و فواید آن» در مورد شرایط نمایندگان نوشته است:

تمام و کلا من دون استثنا باید عالم به مصالح و مفاسد جمهور ملت و واقف به قواعد صیانت ثغور (= حدود) مملکت و مطلع بر منافع عامه سلطنت و مخبر از فواید تامه دولت بوده باشند. در امور سیاسیه، عارف و در مطالب عرفیه، کامل و به مسائل شرعیه، عالم باشند به جهت آنکه موافقت قوانین با قواعد شرعیه مد نظر است.^{۷۵}

۲. آیت الله سید عبدالحسین لاری در رساله «قانون در اتحاد دولت و ملت» در این باره نوشت:

فصل ثانی: در شروط کیفیت حال و اعتدال اعضای مجلس و آن منحصر است در شروط اربعه تکلیف که کمال عقل و رشد و بلوغ و علم و قدرت است.^{۷۶}

۳. آیت الله نائینی که شاید اولین عالم دینی باشد که در مورد مجلس و نمایندگان به صورت مستقل بحث کرده، در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله خود این شرایط را برای نمایندگان آورده است:^{۷۷} عالم بودن، عالم بودن در سیاست یا (به تعبیری مجتهد بودن در فن سیاست)، آگاهی بر مقتضیات زمان، بی‌غرضی و بی‌طمعی، غیرت کامل و خیرخواهی نسبت به دین و دولت و وطن اسلامی.

می‌توان موارد ذیل را به عنوان اوصاف و شرایطی که موازین اسلامی بر آن در این موضوع تأکید نموده‌اند، بیان نمود:

بند اول: اسلام

بر اساس آیه نفی سبیل،^{۷۸} و قاعده نفی سبیل،^{۷۹} تسلط کفار بر امور مسلمانان و از جمله در امور پارلمانی ممنوع است، لذا غیر مسلمان نمی‌تواند و نباید برای امور مسلمانان تصمیم‌گیری نماید.

در همین راستا و بر اساس قاعده نفی سبیل، تصدی مناصبی مانند مناصب سیاسی و اجتماعی همچون ولایت امر و امامت، ریاست یکی از قوا، تصدی وزارتخانه و قضاوت

برای غیر مسلمان جایز نیست.^{۸۰} لذا در بند اول ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس، اعتقاد و التزام عملی به اسلام، اولین شرط کاندیداهای ورود به مجلس شورای اسلامی می‌باشد.^{۸۱}

بند دوم: امانت‌داری

یکی از خصایل اخلاقی انسان که دارای ارزش و اهمیت فوق العاده‌ای است، امانت و امانت‌داری است که دارای مصادیق زیادی بوده و منحصر در امانت‌های مادی و مالی نمی‌باشد؛ چنانکه علامه طباطبایی در تفسیر آیه *إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا* (نساء: ۵۸)؛ نیز بر این امر تأکید می‌نماید.^{۸۲}

مناصب در اسلام، نیز امانتی در دست مسئولین می‌باشد، لذا اگر نماینده‌ای مسئولیتش را «امانت» بداند، هیچ گاه در آن «خیانت» نمی‌کند.^{۸۳}

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از فرماندارانش که ظاهراً از مقام خود سوء استفاده کرده بود، نوشت: «فقد بلغنی عنک امر، ان کنت فعلته فقد اسخطت ربک و عصیت امامک و اخزبت امانتک» یعنی «از تو به من خبری رسیده است؛ اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده، و امام خود را نافرمانی کرده، و امانت خود را از دست داده باشی».^{۸۴} و در جای دیگر، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام خطاب به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان، درباره امانت بودن مسئولیت می‌فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»؛ یعنی «پست فرمان‌داری برایت وسیله طعمه (انباشت مال) نیست، بلکه امانتی در گردن توست».^{۸۵}

ایشان در نامه ۲۶ نهج البلاغه نیز خطاب به یکی از کارگزاران خود با تأکید بر امانت بودن مناصب، فرمودند:

کسی که امانت الهی را خوار شمرد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت، خوارتر و رسواتر خواهد بود؛ و قطعاً بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت، و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌بازی با امامان است.^{۸۶}

بند سوم: کاردانی

این شرط نیز شرطی عقلی و عقلایی است، یعنی هم عقل و هم بنای عقلا بر این است که: «باید کار را به کاردان سپرد».

امام علی □ در این خصوص می‌فرمایند: ایها الناس ان احق الناس بهذا الامر اقواهم علیه و اعلمهم بامرالله فيه؛ ای مردم همانا سزاوارترین مردم به امر خلافت و رهبری امت، تواناترین بر اداره آن و دانا به فرمان خداوند در فهم مسائل است.^{۸۷} و نیز می‌فرماید: من احسن الکفایة استحق الولاية؛ آن کس که از عهده امور به درستی بر آید، شایستگی ولایت و رهبری را دارد.^{۸۸}

بدون شک با توجه به اهمیت مجلس و نمایندگی، این شرط باید مورد توجه برای نمایندگان باشد. و بر این اساس است که امام؛ نیز می‌فرماید: یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه و رأی دادن به نمایندگان صالح و کاردان... می‌باشد.^{۸۹}

بند چهارم: دوری از رذایل نفسانی و اخلاقی

وجود رذایل نفسانی در هر کسی موجب گمراهی و دوری او از صراط مستقیم می‌گردد، ولی اگر این رذیلت در مسئولیت - از جمله نمایندگان - باشد، آثار سوء بی‌شماری هم برای او و هم برای مردم دارد.

در این زمینه، روایات بسیاری آمده و معصومین مردم را از مشورت با برخی افراد دارای رذایل اخلاقی بر حذر داشته‌اند.^{۹۰} امام؛ نیز مردم را از دادن رأی به کاندیداهای منحرف و نالایق بر حذر داشته‌اند.^{۹۱}

در پایان شایسته است برخی دیگر از اوصاف و شرایط نمایندگان مجلس از دیدگاه امام خمینی بیان گردد:

۱. اعتقاد به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی؛
۲. سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به جمهوری اسلامی و به اسلام و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند.^{۹۲}
۳. تخصص و دانش لازم؛
۴. چنین مجلس باید انباشته از مطلعین و دانشمندان و متخصصان در هر رشته باشد.^{۹۳}
۵. حامی مستضعفین؛
۶. موفق شوید نمایندگان متعهد، متفکر، دلسوز به ملت و به خصوص طبقه مستضعف... در مجلس شورای اسلامی بفرستید.^{۹۴}
۷. شجاعت؛



کسانی را انتخاب کنید که مسائل را تشخیص دهند نه از افرادی باشند که روس یا آمریکا یا قدرت دیگری تشری زد بترسند.^{۹۵}

۵. آشنا با طبقه محرومین:

وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده... نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات.^{۹۶}

۶. عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی:

نگذارید در مجلس شورای اسلامی اشخاصی بروند که آن‌ها با قدرت‌های بزرگ پیوستگی دارند.^{۹۷}

نتیجه‌گیری

پارلمان (مجلس) در نظام‌های سیاسی معاصر به سبب کارویژه‌های خود، اهمیت و جایگاه خاصی را به دست آورده است؛ چنانکه در ایران نیز دارالشوری در مباحث دوران مشروطیت - که درگاه ورود این موضوعات با ادبیات معاصر بود - بسیار اساسی و نکته‌ای محوری به شمار می‌آمد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مجلس با دو کارویژه تقنین و نظارت، دارای شأن والایی بوده و با توجه به اختیارات و وظایف مهم خود، نقش مهمی را در نظام ایفا می‌نماید.

این اهمیت و جایگاه باعث می‌شود تا اوصاف و شرایطی را برای انتخاب‌شوندگان (کاندیداهای) مجلس در نظر بگیرند؛ همان‌گونه که در نظام‌های سیاسی دیگر نیز این شروط بیشتر از شرایط مقرر برای انتخابات‌کنندگان می‌باشد.

در قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران، شروطی در دو دسته ایجابی و سلبی برای انتخاب‌شومندی مطرح شده است مانند:

اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه، داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن، نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه، سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی، حداقل سن ۳۰ سال و حداکثر ۷۵ سال تمام.

در کنار این شروط ایجابی، برخی از اشخاص نیز به دو صورت موقت و یا دائم، محروم از کاندیداتوری هستند.

در این مقاله، این شرایط مورد بررسی قرار گرفت و این مطلب مورد تأکید قرار گرفت که:

اولاً هر نظام سیاسی مبتنی بر آرمان‌ها و آموزه‌های اندیشه‌ای خود، اقدام به تعیین شرایطی برای انتخاب‌شوندگان در انتخابات مختلف می‌نماید که نظام سیاسی مبتنی بر اسلام نیز بر همین شیوه و مبتنی بر نگاه دینی و بر پایه نگرش خاص خود به مناصب و مقام‌های حکومتی، شرایط و اوصافی را در این خصوص بیان نموده است؛

ثانیاً با توجه به اصل حاکمیت قانون و فصل الخطاب بودن آن، بررسی شرایط مقرر در مقررات انتخاباتی باید متکی بر قانون، مستند و مستدل و به دور از هرگونه جانبداری گروهی، حزبی و جناحی باشد.

از سوی دیگر در این مقاله به شرایطی که در برخی از نظام‌های سیاسی معاصر در خصوص کاندیداهای پارلمان وجود دارد، اشاره شده است؛ مانند شرایط سنی، تابعیت، شرایط مالی و اقتصادی و تأییدیه.

در قسمت دیگر مقاله با توجه به آموزه‌های دینی، به شرایطی مانند امانت‌داری، مسلمان بودن، کاردانی اشاره شده است و در آخر مقاله نیز شرایطی که امام خمینی به عنوان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط نمایندگی بیان نموده‌اند، ذکر گردیده است، شرایطی مانند اعتقاد به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی، تخصص و دانش لازم، شجاعت، عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی و حمایت از مستضعفین.



پی‌نوشت‌ها

۱. ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲) چ چهارم، ص ۶۷۹.
 ۲. همان، ص ۶۸۰.
 ۳. داریوش آشوری، *دانش نامه سیاسی*، (تهران: سهروردی، ۱۳۶۶) چ اول، ص ۱۵۷.
 ۴. سیدامیر مسعود شهرام نیا، *پارلمان‌تاریسم در ایران*، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹) چ اول، ص ۸۷.
- در همین دوران، کتاب‌هایی در دفاع یا مخالفت با اندیشه‌های پارلمان‌گرایی و دموکراسی منتشر شد. برای نمونه، میرزا ملکم خان چند کتاب و رساله مانند ندای عدالت و دفتر تنظیمات در دفاع از این اندیشه‌ها منتشر کرد و در رساله اخیرش مجلس را پیشنهاد می‌کند که اختیار وضع قانون را زیر نظر شاه داشته باشد. از دیگر نویسندگان در این حوزه می‌توان از میرزا یوسف خان مستشار الدوله، عبدالرحیم طالبوف، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی نام برد. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: همان، ص ۱۲۰-۱۰۳).
۵. محمد حسین نائینی، *تنبیه الامه و تنزیه المله*، با توضیحات سید محمود طالقانی (انتشار، ۱۳۵۸) چ پنجم، ص ۷۸.
 ۶. همان، ص ۹۰.
 ۷. همان، ص ۹۸.
 ۸. همان، ص ۸۷.
 ۹. از دیگر طرفداران نظریه شیخ فضل الله می‌توان از حسین بن علی اکبر تبریزی (صاحب رساله *کشف المراد من المشروطه و الاستبداد*) و شیخ ابوالحسن مرندی نام برد.
 ۱۰. مهدی انصاری، *شیخ فضل الله نوری و مشروطیت*، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶) چ اول، ص ۱۹۷.



۱۱. او می‌نویسد که «شرط کمال و تکمیل مجلس این است که اقلأً و اولأً شخص اول مجلس، فقیه عادل و جامع شرایط باشد. پس از آن بدل و قائم ایشان از عدول مؤمنین، هرچه بیشتر بهتر، پس از آن «الأدین فالأدین» من اهل الدین پس از آن «الأسلم فالأسلم» من المسلمین». عبدالحسین لاری، رساله قانون در اتحاد دولت و ملت (از مجموعه رسایل مشروطیت)، ص ۴۰۸.
۱۲. مهدی انصاری، پیشین، ص ۱۰۶.
۱۳. سید جلال الدین مدنی، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، (تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹) ج اول، ج دوم، ص ۱۱۹.
۱۴. برای اطلاع از دوره‌های مجالس قبل از انقلاب: ر.ک: یونس مروارید، ادوار مجالس قانون گذاری در دوران مشروطیت (تهران: اوحدی، ۱۳۷۷) ج اول.
۱۵. اصل ۶۲ قانون اساسی.
۱۶. اصل ۶۳ قانون اساسی.
۱۷. اصل ۱۰۰ قانون اساسی.
۱۸. اصل ۱۰۷ قانون اساسی.
۱۹. اصل ۱۱۴ قانون اساسی.
۲۰. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سید احمد حبیب نژاد، انتخابات نمایندگی مجلس (قم: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶) ج دوم.
۲۱. در برخی کشورها بخشی از نمایندگان پارلمان به شیوه‌ای غیر انتخابی برگزیده می‌شوند. برای نمونه، حق نمایندگی در مجلس لردان انگلیس به وسیله ارث به وارثین نماینده متوفی می‌رسد و نمایندگی مجلس لردان پس از فوت نماینده‌اش، از وارث قانونی او دعوت می‌کند در آن مجلس شرکت کند. (ابوالفضل قاضی، پیشین، ص ۴۴۷).
- طبق قانون اساسی سال ۱۷۹۹ فرانسه، مجلس سنا، خود نمایندگان خویش را انتخاب می‌کرد. (همان، ص ۴۵۰). طبق اصل ۵۹ قانون اساسی ایتالیا رئیس جمهور، ۵ نفر از اعضای سنا را مشخص می‌کند. (قانون اساسی ایتالیا، ص ۳۸). در ایران نیز طبق اصل ۴۵ قانون اساسی سال ۱۲۸۵، ۳۰ نفر از ۶۰ نماینده مجلس سنا - یعنی نیمی از آن مجلس - توسط شاه انتخاب می‌شدند (همان، ص ۴۴۸).

۲۲. مثلاً در کشورهای سکولار و لائیک هیچ گاه اعتقاد به مذهب از شرایط داوطلبی شمرده نمی‌شود. برای نمونه در اصل ۷۵ قانون اساسی سوئیس صراحتاً اعلام شده «هر فرد سوئیسی، لائیک و دارای حق رأی، حائز شرایط لازم برای انتخاب شدن به عنوان عضو شورای ملی است.» (قانون اساسی سوئیس، ص ۸۶).

۲۳. قانون اساسی آمریکا، ص ۴۲.

۲۴. قسمتی از سوگندنامه نمایندگان ذکر شده در اصل ۶۷ قانون اساسی.

۲۵. مصاحبه دکتر کاتوزیان، روزنامه ایران، شماره ۲۸۶، تاریخ ۸۲/۱۰/۱۳.

۲۶. «به موجب این قانون، کلیه مراجع رسیدگی کننده صلاحیت داوطلبین در انتخابات مختلف (به استثنای انتخابات خبرگان رهبری که مطابق اصل ۱۰۸ قانون اساسی خواهد بود) موظفند، صرفاً بر اساس مواد قانونی و بر اساس دلایل و مدارک معتبر که توسط مراکز مسئول قانونی به مراجع اجرایی و نظارتی ارسال شده است، به بررسی صلاحیت داوطلبان بپردازند.»

۲۷. «رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید مستند به قانون و بر اساس مدارک و اسناد معتبر باشد.»

۲۸. محمد نصیری، حقوق بین‌المللی خصوصی (تهران: آگاه، ۱۳۷۷) چ پنجم، ص ۲۶.

۲۹. ماده ۹۷۹ قانون مدنی، شرایط تحصیل تابعیت ایران را ذکر کرده است.

۳۰. روزنامه شرق، شماره ۲۱۱، ۲۱ خرداد ۱۳۸۳، ص ۵ (به نقل از معاون کنسولی و پارلمانی وزارت امور خارجه): پیشنهاد اختصاص تعدادی کرسی نمایندگی به ایرانیان خارج از کشور (مانند ایرانیان مقیم آمریکا، ایرانی‌های مقیم خلیج فارس) مطرح گردیده است.

۳۱. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی (قم: مجتمع آموزشی عالی قم، ۱۳۷۵) چ دوم، ج ۲، ص ۱۰۹) البته کمیسیون ویژه تدوین قانون انتخابات سال ۶۲ در بند ۸ ماده ۳۰ «تولد و یا سکونت شش ماه قبل از ثبت نام در حوزه انتخابیه به استثنای نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای حوزه انتخابیه خود» را شرط داوطلبی مجلس کرده بودند که با مخالفت شورای نگهبان به تصویب نرسید.

۳۲. سید محمد هاشمی، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳۳. اصل ۷۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در

حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.»



۳۴. اصل ۵ قانون اساسی.
۳۵. اصل ۵۷ قانون اساسی.
۳۶. سید روح الله موسوی خمینی، *صحیفه نور* (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰) ج ۹، ص ۱۷۰.
۳۷. همان، ج ۱۱، ص ۱۵۲.
۳۸. در قانون انتخابات سال ۱۳۶۲ نیز فقط «ابراز وفاداری به قانون اساسی» شرط شده بود.
۳۹. مجید سائلی کرده ده، *سیر تحولات قوانین انتخاباتی* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸) چ اول، ص ۴۳۲.
۴۰. اصل ۳ قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور ذیل به کار برد:..... ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی...»
۴۱. ماده ۱۸ - «کلیه دستگاه‌های مشمول این قانون مکلفند نسبت به احتساب یک مقطع تحصیلی بالاتر از نظر امتیازات شغلی و سایر امتیازات مقرر در قوانین و مقررات مربوط برای جانبازان اقدام و حقوق و مزایای آنان را مطابقت نمایند.»
۴۲. تبصره - «مدرک تحصیلی آزادگان از نظر استخدامی معادل یک مقطع تحصیلی بالاتر تلقی می‌شود.»
۴۳. ماده ۴۴ «دولت به منظور استمرار، توسعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، در جهت حفظ کرامت ایثارگران با اولویت عرضه منابع مالی، فرصت‌ها، امکانات و تسهیلات و امتیازات به ایثارگران، پدر، مادر، همسر و فرزندان شهداء و همچنین جانبازان، آزادگان و افراد تحت تکفل آنان، اقدامات زیر را انجام می‌دهد:
- الف - فرزندان شهداء از کلیه امتیازات و مزایای مقرر در قوانین و مقررات مختلف برای شخص جانباز پنجاه درصد (۵۰٪) و بالاتر نیز به استثناء تسهیلات خودرو و حق پرستاری و کاهش ساعت کاری برخوردارند. امتیازات ناشی از این بند شامل وابستگان فرزند شهید نمی‌شود.»

۴۴. اصل ۱۱۳ قانون اساسی: «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است».

۴۵. اصل ۱۱۵ قانون اساسی و ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اختصاص به شرایط ریاست جمهوری دارد. طبق اصل ۱۱۵ قانون اساسی «ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» شرایط رئیس جمهوری در ایران می‌باشد.

۴۶. سید روح الله موسوی خمینی، *صحیفه نور*، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۱۶.

۴۷. سید جلال الدین مدنی، *جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سروش، ۱۳۶۹، ج دوم (ج ۳، ص ۳۵).

۴۸. برای دیدن نظرات دو گروه: مجید سائلی کرده ده، *سیر تحولات قوانین انتخاباتی*، پیشین، ص ۴۴۴-۴۴۵.

۴۹. در قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ «حداقل سن ۲۵ سال و حداکثر ۷۵ سال تمام» برای داوطلبان نمایندگی و در قانون انتخاباتی سال ۱۳۶۲، حداقل سن، ۲۶ سال و طبق قانون اصلاحی سال ۱۳۷۴ حداقل سن ۳۰ سال معین شد.

۵۰. به سبب طولانی بودن این مشاغل فقط به تعدادی از هر سه گروه اشاره می‌شود: گروه اول؛ رئیس جمهور و معاونین و مشاورین وی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاونین وی، رؤسای دفاتر سران سه قوه، وزرا و سرپرستان وزارت‌خانه‌ها، معاونین و مشاورین وزرا، مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارت‌خانه‌ها، اعضای شورای نگهبان و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات، رئیس قوه قضائیه و معاونین و مشاورین وی، دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین وی، رئیس دیوان عدالت اداری و معاونین و مشاورین وی، رئیس دیوان عالی کشور و معاونین و مشاورین وی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور و معاونین و مشاورین وی، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و معاونین وی، رئیس جمعیت هلال احمر ج.ا.ا. و معاونین وی، استانداران، فرمانداران، شهرداران شاغلین نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات و... گروه دوم؛ ائمه جمعه دائمی، قضات، مدیران کل و سرپرستان دفاتر و ادارات کل استان‌ها و معاونین وی، رؤسا و سرپرستان ادارات و سازمان‌های دولتی و



وابسته به دولت و معاونین آنها در استان و شهرستان، رؤسا و سرپرستان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و... گروه سوم؛ اعضای هیأت‌های اجرایی و ناظرین شورای نگهبان.

۵۱. مانند: کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش مؤثر داشته‌اند، ملاکین بزرگ که زمین‌های اموات را به نام خود ثبت کرده‌اند، وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب، سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیر قانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده است، کسانی که به جرم اقدام علیه ج.ا. محکوم شده‌اند، مشهورین به فساد و متجاهرین به فسق، قاچاقچیان مواد مخدر و معتادین به این مواد، مجرمین و وابستگان به رژیم سابق از قبیل انجمن‌های شهر و شهرستان و وابستگان به تشکیلات فراماسونری و هیأت ریسه کانون‌های حزب رستاخیز و... و محکومین به خیانت و کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا، غصب اموال دیگران و محکومین به سوء استفاده مالی به حکم محاکم صالحه قضایی.

۵۲. این محکومین عبارتند از: «محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد پنج سال پس از اجرای حکم، محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد یک سال پس از اجرای حکم، محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم».

۵۳. **قانون اساسی سوئیس**، ص ۸۶.

۵۴. برای نمونه بر اساس بخش دوم اصل اول قانون اساسی ایالات متحده، داوطلب مجلس نمایندگی باید ۲۵ سال و برای مجلس سنا ۳۰ سال داشته باشند (قانون اساسی آمریکا، ص ۲۰-۱۹) و در ایتالیا داوطلب ورود به مجلس نمایندگان باید ۲۵ سال و برای مجلس سنا باید ۴۰ سال داشته باشد. (قانون اساسی ایتالیا، ص ۳۸-۳۷) در ژاپن، کانادا، ۳۰ سالگی و در برزیل، فیلیپین، فرانسه، ۳۵ سالگی و در بلژیک ۴۰ سالگی سن انتخاب شدگی می‌باشد. (مجله **مجلس و پژوهش**، شماره ۱۹، ص ۸۱).

۵۵. **قانون اساسی آمریکا**، اصل اول، ص ۲۲-۲۱، در فرانسه، اتباع خارجی پس از ده سال از کسب تابعیت فرانسوی حق کاندیداتوری دارند (سید جلال الدین مدنی، **حقوق اساسی تطبیقی**، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴) چ اول، ص ۱۳۵.

۵۶. **همان**، ص ۱۲۷.

۵۷. مثلاً بر اساس اصل اول قانون اساسی ایالات متحده، داوطلب نمایندگی مجلس سنا و نمایندگان در زمان انتخابات باید در آن ایالت اقامت داشته باشد (قانون اساسی آمریکا، ص ۲۱-۲۲).

۵۸. *مجله مجلس و پژوهش*، شماره ۱۹، ص ۸۱.

۵۹. برای نمونه ۵۱ اعضای کنگره آمریکا از میلیونرها و ۲۸ سناتور آمریکایی از سرمایه‌داران بزرگ آمریکا می‌باشند (حجت الله ایوبی، *اکثریت چگونه حکومت می‌کنند*، تهران: سروش، ۱۳۸۲) چ دوم، ص ۱۵۸ و این به سبب بالا بودن هزینه‌های انتخاباتی می‌باشد، زیرا مثلاً هزینه احراز یک کرسی سناتوری در آمریکا در سال ۱۹۸۰، ۸۸۰۰۰ دلار بوده که در سال ۱۹۹۶ به ۵۵۶۰۰۰ دلار رسیده است، لذا «مطالعه انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا از سال ۱۹۸۰ تاکنون حاکی از آن است که ۹۱/۳ درصد از برندگان انتخابات کسانی هستند که بیشترین مخارج را در تبلیغات هزینه کرده‌اند» (همان، ص ۱۵۹-۱۵۸).

۶۰. اریک بارنت، *مقدمه ای بر حقوق اساسی*، ترجمه عباس کدخدایی (تهران: میزان، ۱۳۸۲) چ اول، ص ۱۹۷، همچنین رجوع کنید به نشریه *ناظر امین*، شماره ۱۲، بهمن ۱۳۸۲ (www.nazer.irisn.com).

۶۱. سید جلال الدین مدنی، *حقوق اساسی تطبیقی*، پیشین، ص ۱۳۸.

۶۲. حجت الله ایوبی، *اکثریت چگونه حکومت می‌کنند*، پیشین، ص ۱۹، ۱۳، ۱۲.

۶۳. برای نمونه در کوبا، در هر شهری کمیسیونی مرکب از نمایندگان اقشار مختلف مردم تشکیل و فهرست نهایی نامزدها را اعلام می‌کند. (همان، ص ۱۴).

۶۴. سید جلال الدین مدنی، *حقوق اساسی تطبیقی*، پیشین، ص ۱۳۸.

۶۵. همان، ص ۲۴۶.

۶۶. *مجله مجلس و پژوهش*، شماره ۱۹، ص ۸۱.

۶۷. اریک بارنت، *مقدمه ای بر حقوق اساسی*، پیشین، ص ۱۹۷.

۶۸. نشریه *ناظر امین*، شماره ۱۲، بهمن ۱۳۸۲ (www.nazer.irisn.com).

۶۹. در استرالیا برای مجلس سنا ۷۰۰ دلار و برای مجلس نمایندگی ۳۵۰ دلار.

- در چکسلواکی ۲۰۰۰۰۰ KCS.

- در ژاپن ۳۰۰۰۰۰۰ ین برای نامزدها و ۶۰۰۰۰۰۰ ین برای احزاب سیاسی.



- در هندوستان ۱۰۰۰ روپیه.
- در فرانسه ۲۰۰ فرانک.
- حجت الله ایوبی، اکثریت چگونه حکومت می‌کنند، پیشین، صص ۱۲، ۱۷ و ۱۹.
۷۰. نهج البلاغه، خطبه ۳۳.
۷۱. سید روح الله موسوی خمینی، البیع، بی تا (از نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی)، ج ۲، ص ۶۲۳.
۷۲. سید روح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، بی تا (از نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی)، ص ۳۷.
۷۳. همان، ۵۴.
۷۴. ر.ک: سید احمد حبیب نژاد، ماهیت نمایندگی با تأکید بر مفاهیم اسلامی، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۸۶، صص ۱۲۵-۱۴۹.
۷۵. عمادالعلماء خلخالی، رساله بیان معنی سلطنت مشروطه و فواید آن (از مجموعه رسائل مشروطیت، غلامحسین زرگرنژاد، رسائل مشروطیت، چ اول، تهران: کویر ۱۳۷۴) ص ۳۲۶.
۷۶. عبدالحسین لاری، رساله قانون در اتحاد دولت و ملت (از مجموعه رسائل مشروطیت، پیشین) ص ۴۰۸.
۷۷. محمدحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیة المله، پیشین، ص ۸۸.
۷۸. لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است: نساء / ۱۴۱.
۷۹. برای مطالعه بیشتر در خصوص این قاعده ر.ک: میر عبدالفتاح مراغه ای، العناوین، ج ۲، ص ۳۴۹؛ سید حسن موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، نجف مطبعة الآداب، ۱۳۸۹ق، ص ۱۵۷.
۸۰. حسینعلی منتظری، نظام الحکم فی الاسلام، (قم: نشر سراپی، ۱۳۸۰) چ اول، ص ۱۰۸ و ۲۶۰.
۸۱. امام ز بر همین اساس می‌فرمودند: «مردم کسانی را انتخاب کنند که صد در صد مسلمان و معتقد به احکام اسلام و معتقد به اجرای احکام اسلام... باشند» (سید روح الله موسوی

خمینی، *صحیفه نور*، پیشین، ج ۱۲، ص ۷۵) و «با دقت تمام به نمایندگانی رأی بدهند که معتقد به اسلام و وفادار به مردم باشند». (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۴).

۸۲. سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، (قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴) ج ۴، ص ۶۰۳.

۸۳. در اهمیت این خصلت همین بس که حضرت یوسف □ می‌فرماید: قال اجعلنی علی خزائن الارض اِنّی حفیظ علیم (یوسف/۵۵) یعنی «مرا سرپرست خزاین این سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم» و در جای دیگر در وصف مؤمنان می‌فرماید: والذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون؛ آنان که پایبند به امانت‌ها و پیمان‌های خود هستند.

۸۴. *نهج البلاغه*، نامه ۴.

۸۵. همان، نامه ۵.

۸۶. امام خمینی؛ در همین راستا می‌فرماید:

آن چیزی که الان لازم است بر همه آقایان... این است که چشم‌ها را باز کنند، با مطالعه، با دقت، افرادی که برای شوراها تعیین می‌کنند، صفات خاصی را داشته باشند... امین باشند» (سید روح الله موسوی خمینی، *صحیفه نور*، پیشین، ج ۹، ص ۲۷۱).

۸۷. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۷۲.

۸۸. جمال الدین محمد خوانساری، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶) ج ۵، ص ۳۴۹.

۸۹. همان، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

۹۰. برای نمونه پیامبر اسلام ﷺ به حضرت علی □ می‌فرماید:

«ای علی با ترسو مشورت نکن، زیرا او راه‌حل مشکل را بر تو تنگ می‌کند و با بنخیل مشورت نکن، زیرا او تو را از هدف باز می‌دارد و با آدم حریص مشورت نکن، زیرا او آزمندی را در نظرت نیکو جلو می‌دهد»، در روایات دیگری، معصومین اشخاص را از مشاوره با افراد خودرأی، سست اندیش، لجوج، دروغ‌گو و... منع کرده‌اند. محمد ری شهری، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی (قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۷) چ دوم، ج ۶، ص ۲۹۰۳.

۹۲. همان، ج ۱۱، ص ۲۶۹.

۹۳. همان، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

۹۴. همان، ج ۱۱، ص ۲۷۳.

۹۵. همان، ج ۱۸، ص ۱۹۸.

۹۶. همان، ج ۲۱، ص ۱۸۷.

۹۷. همان، ج ۵، ص ۲۵۷.



شروط المنتخب في انتخابات مجلس الشورى الاسلامي في القانون الاساسي لايران (نظرة مقارنة)

الدكتور السيد احمد حبيب نجاد¹

تعتبر الانتخابات في الانظمة السياسية المعاصرة في العالم افضل وأشهر وسيلة لمشاركة الشعب في تقرير مصير بلده السياسي، وتبرز الانتخابات البرلمانية من بينها. ان الانتخابات البرلمانية دخلت المعترك السياسي للبلاد ابان الحركة الدستورية، وشهدت تقلبات كثيرة كما شهدت مجالس وممثلين من مختلف المشارب السياسية بعد الحركة الدستورية.

و استأثرت انتخابات مجلس الشورى الاسلامي وبواسطة المكانة المرموقة لها في جمهورية ايران الاسلامية باهتمام واسع، بنحو ان اولى مطالبات الثوار كانت اقامة مجلس مستقل ومقتدر وشعبي، كما حظى المجلس وممثليه بمكانة خاصة في القانون الاساسي. وبناء على ذلك تتمثل اهمية انتخابات المجلس في انتخاب ممثلى الشعب الذين يقع على عاتقهم مهمتان: تشريعية واخرى رقابية وتعتبر مظهر من مظاهر اعمال حق تقرير المصير.

ان شروط المنتخب في المجلس - الذى هو موضوع البحث - من اهم اركان الانتخابات التى تختلف باختلاف الانظمة السياسية وعلى اساس الظروف الثقافية والسياسية والاجتماعية لكل بلد.

الكلمات المحورية: البرلمان، الانتخابات، شروط المنتخب، التابعة، الالتزام بالقانون، الاسلام.